

# نقش ابزار تولید در سیستم اقتصاد اسلامی

خطوط اصلی اقتصاد اسلام

ناصر مکارم شیرازی

حکومت اسلامی با استفاده

از اختیارات «ولایت فقیه» حق دارد نرخ تقسیم

درآمد را میان «کار» و «ابزار» تعیین کند

## کارموند و کارمتراکم :

\* \* \*

اکنون سخن در اینجاست که آیا بلك انسان حق دارد محصول کار خود را بصورت ابزاری درآورد و این ابزار کار را در اختیار دیگری بگذارد تا او بوسیله این ابزار قدرت بر انجام کاری بیشتری پیدا کند و سپس در محصول کار او سهمی داشته باشد یا نه .  
مارکسیستها حتی گروه دیگری که به اصول فلسفه آنها اعتقاد ندارند ولی به نتایج آن تا حدودی روی خوش نشان می دهند در برابر این سؤال پاسخ منفی می دهند و می گویند ابزار کار هر چه باشد و هر اندازه بازده کار را افزایش دهد هیچ حتی برای مالک ابزار تولید نمی کند این ابزار خواهد بود که ابزار ساده مانند بیل برای کشاورزی باشد یا یک کارخانه بزرگ .  
اما مارکسیست ها که هرگونه مالکیت

در بحث گذشته به اینجا رسیدیم که هرگونه مالکیت سرانجام به کار بازگشت می کند منتها گاهی خود انسان کار را انجام داده و مالک شده و گاهی انجام دهنده کار معضول و دسترنج خود را بدون عوض با میل و اراده خویش و حتی بدون تحمیلات ناشی از نظام محیط در اختیار دیگری میگذارد و یا بر اساس حق و عدالت با عوضی که مورد نیاز او است مبادله می کند و یا از طریق يك انتقال قهری اما طبیعی همچون ارث برای نزدیکترین افراد بخود باقی می گذارد و ما باید این حق قانونی را برای هر کس بپذیریم که با محصول دسترنج خود چنین معامله ای کند و اگر بگوئیم او چنین حتی ندارد در واقع او را مالک دسترنجش ندانستیم زیرا این معنی در مفهوم مالکیت افتاده است .

## نقش ابزار تولید در سیستم اقتصاد اسلامی

نیست تفاوت آن با کالای مصرفی این است که دوام بیشتری دارد . « (۲)

۲ - پرداختن بهره‌ای از کاربری ابزار کار، يك نوع ربا خواری است زیرا ربا بمفهوم واقعی کلمه این است که انسان در گوشه‌ای بنشیند و سود سرمایه‌اش را بگیرد خواه بشکل ارز دادن باشد و یا گذاردن ابزار تولید در دست دیگری بهمین دلیل می‌بینیم قرآن مجید در مخالفت با ربا می‌گوید... فلکم روس اموالکم (تنها حق دارید سرمایه خود را بگیرید نه بیشتر).

«تحریم ربا بمعنی بنیانی استثمار و رابطه سرمایه‌داری است زیرا اساس روابط سرمایه داری بر این است که سرمایه سهمی از ارزش تولید شده دارد، و قرضه و یا سرمایه گذاری ماهیت این رابطه غلط را تصحیح نمی‌کند (۱)

۳ - قبول چنین حتی علاوه بر این که جامعه را به دو قطب سرمایه دار و کارگر تبدیل می‌کند باعث بیکاری و کم کاری عده‌ای از افراد جامعه است .

۴ - توجه به این واقعیت که يك انسان برای استفاده از ماشین آلات و یا سرمایه خود نیازمند به يك سلسله خدمات عمومی مانند احداث راهها، امنیت، وسائل ارتباطی، مراکز قضائی و حتی مراکز آموزشی و فرهنگی است به مامی فهماند که بازده این ابزار و سرمایه در هر تویک کار عمومی و دستجمعی جامعه تحقق یافته است و بدون آن هرگز چنین نقشی را نداشت و این خود دلیل بر سهیم بودن همه جامعه در محصول

شخصی را بر ابزار تولید نفی می‌کنند حسابشان روشن است آنها می‌گویند اصولا این ابزار در ملک شخص در نمی‌آید و متعلق به جامعه است .

ولی آنها که به مالکیت شخصی اعتقاد دارند و مالکیت شخص را بر ابزار تولید (در صورتی که محصول کار باشد نفی نمی‌کنند) تعلق بهره و سهمی از محصول ربا به ابزار نفی می‌کنند و می‌گویند مالک ابزار تنها حق دارد قیمت استهلاک آن را بگیرد نه بیشتر و به تعبیر دیگر ابزار تولید تنها حق ماندن را دارد نه حق افزایش .

ولی در مقابل گروهی معتقدند که هیچ مانعی ندارد سهم عادلانه‌ای که منتهی بضرر و زیان کارگر نشود برای آن قائل شویم و این موضوع را يك عامل مؤثر در حرکت و رشد اقتصادی و توسعه و افزایش درآمد و نیز عامل مؤثری برای صرفه جویی در مصرف می‌دانند .

اکنون بدلائل طرفین باید توجه کرد و سپس نظر اسلام را در این زمینه بررسی میکنیم:

### دلائل گروه اول:

۱ - قبول سود برای ابزار تولید موجب پیدایش جامعه سرمایه داری و استثمار و بهره‌کشی از کارگر می‌شود «سرمایه در آغاز حاصل استعمار و سلطه بر منابع طبیعی و یا استثمار دهقانان بود و اینک تنها محصول ربودن ارزش‌های اضافی تولید بوسیله تولید کنندگان است . « (۱)

و بتعبیر دیگر « وسائل کار چیزی جز محصول ترکیب مواد خام وسیله کار انسانی

## نقش ابزار تولید در سیستم اقتصاد اسلامی

سرمایه تعلق گیردوتنها ۲۰ درصد به نیروی  
وا ابزار تولید قائل شویم حق استهلاك و یا  
به تعبیر دیگر حق بقاء و ماندن است، بنابراین  
اگر کارخانه ای در ده سال از کار آئی می افتد  
و فرسوده میشود ما می توانیم هر سال یکدهم  
قیمت آنرا به صاحبان کارخانه بپردازیم و  
نه بیشتر .

البته می توان برای استهلاك معنی  
وسعی قائل شده که شامل استهلاك کمیت  
(فرسودگی ماشین آلات) و استهلاك کیفیت  
(عقب ماندگی تکنولوژی زیرا با تولید  
ماشین آلات کاملتر استفاده از ماشینهای قدیمی  
مقرون به صرفه نیست هر چند ماشین آلات  
هنوز قابل استفاده باشند این استهلاك ممکن  
است در مدت پنج سال و یا کمتر و یا بیشتر  
بتفاوت حاصل شود و همچنین استهلاك  
ارزش پول (به این معنی که قدرت خرید آن  
با گذشت زمان ممکن است هائین بیاید) .  
ولی بهر حال بیش از این استهلاك چیزی  
نمی توان برای سرمایه و ابزار تولید قائل  
شد .

ولی ما حق داریم در برابر این سخن از  
آنها مطالبه دلیل کنیم و بگوئیم این يك  
ادعای محض است چرا و به چه دلیل ابزار  
حقی بیش از این مقدار استهلاك ندارد در  
حالی که راندمان کار را بالا می برد و گاهی  
هزار برابر می کند به تعبیر روشتر ما باید  
تقسیم در آمد را بخاطر افزایش حاصل کار  
در نظر بگیریم خواه استهلاكی باشد یا نه،

آن می باشد .

۵ - ابزار کار نتیجه کار خلاق انسان روی  
مواد طبیعی است و بنابراین وجود آن فرع  
بر خود کار است و هرگز فرع نمی تواند زائد  
بر اصل باشد و با توجه به این که مزد کارگر  
نتیجه استهلاك نیروی جسمانی و فکری  
اوست و به همین دلیل پس از مدتی (مثلاً ۳۰  
سال) باز نشست می شود محصول ابزار  
تولید نیز باید در رابطه با استهلاك هم باشد  
و گرنه فرع زائد بر اصل خواهد شد .

\* \* \*

### بحث و بررسی و دلائل گروه دوم

اما تمام این دلائل قابل گفتگو و ایراد  
است .  
۱ - آیا پیدایش دو قطب استثمار کننده  
و استثمار شونده در جامعه بخاطر تعلق حق  
عادلان به ابزار تولید است و یا بخاطر تقسیم  
نا برابر و غیر عادلانه محصول کار میان کارگر  
و ابزار است .

توضیح اینکه : فرض کنیم انسانی با  
دست خالی و یا تنها بوسیله يك پیل ساده  
می تواند در روز مقداری از زمین را شخم  
کند اما رفیقش گاو آهنی در اختیار او  
می گذارد که با آن می تواند چند برابر این  
زمین را شخم کند بدون شك این ابزار بازده  
کار او را بالا برده است حال اگر ما اساس را  
ابزار کار و عامل درجه دورا خود کار بگیریم  
آنچنان که نظام سرمایه داری می گوید  
نتیجه این می شود که مادر آمد حاصل از  
کار گاهای کوچک یا بزرگ را آنچنان  
تقسیم کنیم که مثلاً هشتاد درصد به ابزار و

هنگامی که حاصل کار افزایش یافت تعاقب سهمی به ابزار غیر قابل انکار است .

از این گذشته اگر ابزار تنها حق استهلاك خود را بگیرد سرمایه گذاری در آن هیچ انگیزه ای نخواهد داشت و مفهوم این سخن خاموش کردن انگیزه های پیشرفت اقتصادی و ضمناً ضربه به حقوق کارگراست . آیا هیچکس حاضر است پس اندازی را که در طول ده سال داشته و برای روز نیازش گذاشته است در یک رشته صنعتی سرمایه گذاری کند و هر سال یکدهم آن را بگیرد و بعد از ده سال بهمان نقطه اول برسد اینکار با هیچ یک از معاسبات اقتصادی جور نمی آید ( انگیزه های معنوی از موضوع بحث ما خارج است . )

### ۴- فرق ربا خواری و کارهای تولیدی

۲ - اینکه می گویند پرداختن بهره ای از کار برای ابزار یکنوع ربا خواری است این اشتباه بزرگی است برای این که نه تنها هیچیک از فقهای اسلام چنین مفهومی برای ربا ذکر نکرده و نه تنها هیچ آیه و روایتی دلالت بر این ندارد اصولاً این موضوع با فلسفه تحریم ربا سازگار نیست .

چرا که رباخوار در گوشه ای نشسته و از پول خود سود بدون ضرر می برد یعنی هر ضرر و زیانی پیش آید متوجه وام گیرنده خواهد شد در حالی که کسی که در یک رشته صنعتی یا دامداری کشاورزی سرمایه گذاری می کند بهمان نسبت که همکاران او ممکن است متحمل خسارت شوند او هم

ممکن است خسارت ببیند ، مثلاً محصول با اندازه کافی بدست نیاید و یا دامها بعللی از بین بروند و یا فرآورده های کارخانه خریدار چندانی پیدا نکند بهر حال رباخوار سرمایه خود را به مخاطره نمی افکند اما تولید کنندگان همیشه سرمایه آنها در خطر است .

### جمله ( فلکم رؤس اموالکم ) ( ۲۷۹ )

بقره) که به آن استدلال کرده اند با توجه به جمله های قبل و بعد بهیچوجه دلیل بر مقصود آنها نیست و گویا آنها چنین احساسی را کرده اند که آن را از قبل و بعد بریده اند چرا که آیه بعد بحکم این که دستور میدهد بدهکاران تا نرا مهلت دهید کاملاً روشن می سازد که سخن در مورد وام های ربوی است نه هرگونه سرمایه گذاری اساساً ربا نه از نظر مفهوم کلمه و نه از نظر روایات و آیات شامل سرمایه گذاری نمی شود اما متأسفانه آنها که می خواهند پیشداوری های خود را بر قرآن تحمیل کنند دست به چنین استدلالاتی می زنند هر چند نادرست و مصداق روشن تفسیر به رأی می باشد .

سؤال دیگر : آخرین سئوالی که در اینجا ممکن است شود این است که ما از نظر موازین اسلامی چگونه می توانیم بازده کار را بطور عادلانه بگونه ای که موجب پیدایش جامعه دوقطبی نشود تقسیم کنیم . پاسخ این است که حکومت اسلامی با استفاده از اختیارات ولایت فقیه حق دارد نرخ تقسیم درآمد را میان « کار » و « ابزار » تعیین کند ، همانگونه که حق دارد نرخ اجناس معمولی را معین سازد .